

سلام

این مقدمه را که می‌خواستیم شروع کنیم، یک لحظه از فکر گذشت به جای سلام بگوییم Hello! و کل مقدمه را به زبان انگلیسی بنویسیم. اما خوب، به چند دلیل ... منصرف شدم.

شما، خوانندگان این کتاب، سری اولی هستید که از سال ششم دبستان، نظام آموزشی جدید را تجربه کرده‌اید. از همان سال هفتم که درس انگلیسی را شروع کردید با کتاب‌هایی روبه‌رو شدید که رویکرد آموزشی‌شان با کتاب‌های قبلی فرق می‌کرد؛ آموزش زبان با روش CLT که تمرکز اصلی‌اش بر واژگان و درک متن بود و دیگر قرار نبود دانش‌آموز درگیر یادگیری گرامر و دستورزبان شود.

هدف و ادعای اولیه این بود که دانش‌آموز طی این شش سال، بتواند متن انگلیسی را بخواند، تا حدی گفتار روزمره را بفهمد، تا حدی بتواند آن‌چه را که می‌خواهد، بنویسد و کمی هم بتواند آن‌چه را که می‌خواهد بگوید.

نمی‌دانم شما که دارید این مقدمه را می‌خوانید با خواندن و یادگیری درس انگلیسی‌تان (البته به شرطی که از کلاس‌های زبان خارج از مدرسه استفاده نکرده باشید) چه قدر از مهارت‌های بالا را به دست آورده‌اید.

امیدوارم (و خیلی دوست دارم) که آن هدف و ادعاهای اولیه نتیجه داده باشد و ما امسال دانش‌آموزان سال دوازدهمی‌ای داشته باشیم که می‌توانند انگلیسی بخوانند، بفهمند، بنویسند و حرف بزنند. اگر که این‌طور است که خیلی خوب و اگر هم نیست نگران نباشید، آقای حسن بلند مؤلف خوب این کتاب، هر چه را که برای یادگیری انگلیسی دوازدهم لازم دارید، تمام و کمال برایتان نوشته است. بخوانید و یاد بگیرید تا در آخر مقدمه بعدی که برایتان می‌نویسم بگوییم:

sincerely yours!



تقدیم به

خدایی که در این نزدیکیست...

به نام آن که جان را فکرت آموخت

بعد از بررسی سؤالات امتحانات نهایی اخیر، آمار تکان‌دهنده میانگین نمرات در امتحانات هماهنگ کشوری و عدم موفقیت اکثر دانش‌آموزان (حتی شاگرد زرنگ‌ها) در پاسخ‌گویی به برخی سؤالات، تصمیم گرفتیم کتاب ماجرای بیست انگلیسی دوازدهم را به صورتی بنویسیم که هر دانش‌آموزی بتواند بعد از خواندن درس‌نامه، کلاس خصوصی و تمرینات متنوع آن، به راحتی به سؤالات امتحانی پاسخ دهد.

کتاب ماجرای بیست انگلیسی دوازدهم شامل بخش‌های زیر است:

❶ **یادآوری:** با توجه به این که مطالب پایه در یادگیری کتاب دوازدهم و پاسخ‌دادن به سؤالات امتحانی تاثیر بسزایی دارد، در ابتدای کتاب، **واژگان، گرامر و نگارش** پایه‌های دهم و یازدهم را به صورت خلاصه برایتان آورده‌ایم تا بتوانید به راحتی آن‌ها را مرور کنید.

بعد از یادآوری مطالب پایه، هر درس شامل موارد زیر است:

A: Vocabulary (واژگان): از آن جایی که تسلط بر واژگان اهمیت زیادی در درک و یادگیری کل کتاب دارد، قسمت‌های کاربردی زیر را به ترتیب برای آن در نظر گرفته‌ایم:

❶ **لغات پایه درس:** تمام لغات مهمی که قبلاً یاد گرفته‌اید و در همان درس استفاده شده را برایتان آورده‌ایم.

❷ **لغات جدید درس:** لغات جدید درس را به صورت سطر به سطر به همراه مترادف، متضاد، کلمات هم‌خانواده، کلمات مشابه، همنشین‌ها و یک جمله برای هر کلمه آموزش داده‌ایم.

❸ **کلاس خصوصی:** در کلاس خصوصی انواع سؤال‌های امتحانی واژگان را بررسی کرده‌ایم و بعد از آموزش و ارائه جدول‌های طبقه‌بندی لغات، همنشین‌ها، مترادف، متضاد و تعریف، نحوه پاسخ‌دادن به آن‌ها را به صورت جداگانه با چند نمونه سؤال تدریس کرده‌ایم.

❹ **نمونه سؤال‌های امتحانی:** سؤال‌های امتحانی شامل تمام سؤال‌های امتحانی سال‌های گذشته و تألیفی به صورت طبقه‌بندی شده می‌باشد. سؤال‌های تألیفی نیز شامل سؤال‌های شبیه‌سازی شده امتحان نهایی و انواع سؤال‌های امتحانی مدارس است. قبل از سؤال‌های دشوار، از آیکن جت (🚀) استفاده کرده‌ایم.

B: Grammar (گرامر): سعی کردیم با ارائه موارد کاربردی و هدفمند زیر، یادگیری و تسلط بر سؤال‌های گرامر را برای شما آسان کنیم.

❶ **درس‌نامه:** گرامر درس با مثال‌های متنوع آموزش داده شده و نکات مهم گرامر بررسی و توضیح داده شده است.

❷ **ایستگاه ارزیابی:** بعد از درس‌نامه، چند سؤال آموزشی طراحی کرده‌ایم تا یادگیری خود را مورد ارزیابی قرار دهید.

❸ **کلاس خصوصی:** در کلاس خصوصی انواع سؤال‌های امتحان نهایی و مدارس را بررسی کرده‌ایم و نحوه و قلق پاسخ‌دادن به آن‌ها را به صورت جداگانه با چند نمونه سؤال متنوع تدریس کرده‌ایم.

❹ **نمونه سؤال‌های امتحانی:** سؤال‌های امتحانی شامل تمام سؤال‌های امتحانی سال‌های گذشته و تألیفی به صورت طبقه‌بندی شده می‌باشد. سؤال‌های تألیفی نیز شامل سؤال‌های شبیه‌سازی شده امتحان نهایی و انواع سؤال‌های امتحانی مدارس است.

مقدمه مؤلف



C: Conversation (مکالمه): مکالمه کتاب درسی ترجمه و برای آن سؤال‌های بسیار متنوعی طراحی شده است.
D: Reading (درک مطلب): با توجه به اهمیت درک مطلب، برای یادگیری و تسلط بیشتر، موارد زیر ارائه شده است:

۱ **متن کتاب درسی:** متن ری‌دینگ کتاب درسی ترجمه و برای آن سؤال‌های امتحان‌نهایی و تألیفی طراحی شده است.
 ۲ **کلاس خصوصی:** در کلاس خصوصی درس اول، انواع سؤال‌های درک مطلب بررسی و روش‌های پاسخ‌دادن به هر کدام با نمونه سؤال‌هایی از امتحان‌نهایی به طور کامل آموزش داده شده است.

۳ **نمونه سؤال‌های امتحانی:** سه نوع سؤال برای درک مطلب ارائه شده است:

۱ **Sentence Comprehension:** ده سؤال متنوع از امتحان‌نهایی و تألیفی از قسمت‌های مختلف کتاب طراحی شده است.

۲ **Reading Comprehension:** شش درک مطلب مرتبط با موضوع درس از امتحانات‌نهایی ارائه شده است.

۳ **Cloze Test:** یک متن کلوز مرتبط با موضوع متن درک مطلب کتاب آورده شده است.

E: Writing (نگارش): نگارش هر درس شامل موارد زیر است.

۱ **درس‌نامه:** نگارش درس با مثال‌های متنوع آموزش داده شده و نکات مهم نگارش بررسی و توضیح داده شده است.

۲ **کلاس خصوصی:** در کلاس خصوصی انواع سؤال‌های امتحان‌نهایی و مدارس را بررسی کرده‌ایم و روش و تکنیک پاسخ‌دادن به آن‌ها را به صورت جداگانه با چند نمونه سؤال تدریس کرده‌ایم.

۳ **نمونه سؤال‌های امتحانی:** سؤال‌های امتحانی شامل تمام سؤال‌های امتحانی سال‌های گذشته و تألیفی به صورت طبقه‌بندی شده می‌باشد.

F: Listening (شنیداری): در کلاس خصوصی درس اول، انواع سؤال‌های بخش شنیداری بررسی شده است و در قسمت نمونه سؤال‌های امتحانی بیش از ۱۲ سؤال‌های امتحانی سال‌های گذشته ارائه شده است.

۱ **پاسخ‌نامه تشریحی:** به تمام سؤال‌های درس به صورت کاملاً تشریحی پاسخ داده شده است.

۲ **خلاصه درس‌ها:** در آخر کتاب برای مرور سریع، واژگان، گرامر و نگارش کل کتاب را به صورت خلاصه برایتان آورده‌ایم.

۳ **آزمون‌ها:** در آخر کتاب دو آزمون نوبت اول و چند آزمون امتحان‌نهایی خردادماه ارائه شده است.

QR code: در هر درس ۴ QR code آورده‌ایم که با اسکن آن‌ها می‌توانید مطالب زیر را دانلود کنید:

۱ ترجمه تمام مکالمه‌ها و متن‌های کتاب دانش‌آموز و کار هر درس

۲ ترجمه و پاسخ متن‌های Further Reading کتاب درسی به همراه چند سؤال درک مطلب

۳ ترجمه و پاسخ متن‌ها و مکالمه‌های Further Listening کتاب درسی به همراه چند سؤال شنیداری

۴ ترجمه و پاسخ تمرینات کتاب کار

کتابچه رایگان: کتابچه شامل تمام لغات دهم، یازدهم و دوازدهم به همراه درس‌نامه تمام زمان‌هایی است که از هفتم تا دوازدهم خوانده‌اید.

از ویراستار محترم کتاب، جناب آقای ساسان عزیزی‌نژاد و تمام دوستانی که در به ثمر رساندن این کتاب همکاری داشته‌اند تشکر و قدردانی می‌کنیم.

در طول سال تحصیلی با مطالب آموزشی و نمونه سؤال در کانال تلگرام (<https://t.me/EnglishVisions>) هواتون رو داریم.

امیدوارم همیشه سبز باشین و سبز فکر کنین.

فهرست

درس سوم: انرژی تجدیدپذیر (Renewable Energy)

۱۶۶	واژگان (A: Vocabulary)
۱۷۶	کلاس خصوصی واژگان
۱۸۲	نمونه سؤال‌های امتحانی واژگان
۱۸۸	گرامر (B: Grammar)
۱۹۲	کلاس خصوصی گرامر
۱۹۶	نمونه سؤال‌های امتحانی گرامر
۲۰۰	مکالمه (C: Conversation)
۲۰۱	خواندن (D: Reading)
۲۰۳	کلاس خصوصی درک مطلب
۲۰۳	نمونه سؤال‌های امتحانی درک مطلب
۲۰۸	نگارش (E: Writing)
۲۱۰	کلاس خصوصی نگارش
۲۱۲	نمونه سؤال‌های امتحانی نگارش
۲۱۹	شنیداری (F: Listening)
۲۱۹	نمونه سؤال‌های امتحانی شنیداری
۲۲۲	پاسخ سؤال‌های امتحانی

علائم اختصاری و خلاصه درس‌ها

۲۴۶	پیشوندها و پسوندها
۲۴۸	خلاصه درس‌ها (Summary)
۲۴۸	خلاصه گرامر
۲۵۰	خلاصه نگارش
۲۵۱	لغات مهم

امتحانات

۲۵۶	امتحان‌های نیم‌سال اول (آزمون شماره ۱)
۲۶۱	پاسخ سؤال‌های امتحانی نیم‌سال اول (آزمون شماره ۱)
۲۶۴	امتحان‌های نیم‌سال اول (آزمون شماره ۲)
۲۶۸	پاسخ سؤال‌های امتحانی نیم‌سال اول (آزمون شماره ۲)
۲۷۱	امتحان‌های نیم‌سال دوم (آزمون شماره ۳)
۲۷۷	پاسخ سؤال‌های امتحانی نیم‌سال دوم (آزمون شماره ۳)
۲۷۸	امتحان‌های نیم‌سال دوم (آزمون شماره ۴)
۲۸۴	پاسخ سؤال‌های امتحانی نیم‌سال دوم (آزمون شماره ۴)
۲۸۵	امتحان‌های نیم‌سال دوم (نهایی خرداد ۱۴۰۲)
۲۹۰	پاسخ سؤال‌های امتحانی نیم‌سال دوم (نهایی خرداد ۱۴۰۲)
۲۹۱	امتحان‌های نیم‌سال دوم (نهایی خرداد ۱۴۰۳)
۲۹۶	پاسخ سؤال‌های امتحانی نیم‌سال دوم (نهایی خرداد ۱۴۰۳)

خلاصه واژگان، نگارش، گرامر کتاب دهم و یازدهم

۷	واژگان کتاب دهم و یازدهم
۱۲	خلاصه گرامر و نگارش کتاب دهم و یازدهم

درس اول: حس قدردانی (Sense of Appreciation)

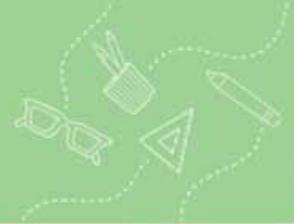
۱۸	واژگان (A: Vocabulary)
۲۵	کلاس خصوصی واژگان
۳۰	نمونه سؤال‌های امتحانی واژگان
۳۴	گرامر (B: Grammar)
۴۱	کلاس خصوصی گرامر
۴۶	نمونه سؤال‌های امتحانی گرامر
۵۱	مکالمه (C: Conversation)
۵۲	خواندن (D: Reading)
۵۳	کلاس خصوصی خواندن
۵۷	نمونه سؤال‌های امتحانی خواندن
۶۳	نگارش (E: Writing)
۶۴	کلاس خصوصی نگارش
۶۵	نمونه سؤال‌های امتحانی نگارش
۶۸	شنیداری (F: Listening)
۶۸	کلاس خصوصی شنیداری
۷۰	نمونه سؤال‌های امتحانی شنیداری
۷۳	پاسخ سؤال‌های امتحانی

درس دوم: آن را پیدا کن (Look it Up)

۹۰	واژگان (A: Vocabulary)
۱۰۰	کلاس خصوصی واژگان
۱۰۶	نمونه سؤال‌های امتحانی واژگان
۱۱۱	گرامر (B: Grammar)
۱۱۷	کلاس خصوصی گرامر
۱۲۳	نمونه سؤال‌های امتحانی گرامر
۱۳۱	مکالمه (C: Conversation)
۱۳۲	خواندن (D: Reading)
۱۳۳	کلاس خصوصی درک مطلب
۱۳۴	نمونه سؤال‌های امتحانی خواندن
۱۳۹	نگارش (E: Writing)
۱۴۰	کلاس خصوصی نگارش
۱۴۲	نمونه سؤال‌های امتحانی نگارش
۱۴۴	شنیداری (F: Listening)
۱۴۴	نمونه سؤال‌های امتحانی شنیداری
۱۴۶	پاسخ سؤال‌های امتحانی

Summary: Vocabulary, Grammar & Writing

خلاصه واژگان، گرامر و نگارش کتاب دهم و یازدهم



واژگان کتاب دهم و یازدهم

a few	تعداد کمی	ashamed	شرمنده، خجالت‌زده	both	هر دو
a number of	تعدادی، چند، چندتا	at last	سرانجام، بالاخره	both ... and ...	هم ... و هم ...
ability	توانایی	at once	فوراً، بلافاصله	bow	تعظیم کردن
abroad	به خارج، در خارج (از کشور)	at the moment	در حال حاضر، الان	brain	مغز
absolutely	قطعیاً، حتماً	at the same time	به طور هم‌زمان، در یک زمان	brave	شجاع
accept	پذیرفتن، قبول کردن	attack	حمله کردن (به)	bravely	شجاعانه، با شهامت
access	دستیابی، دسترسی	attempt	۱- تلاش ۲- تلاش کردن	build	ساختن
have access to	دسترس‌ی داشتن به	attend	شرکت کردن در، رفتن به	burning	شعله‌ور، آتش گرفته
according to	طبق، براساس	attitude	نگرش، طرز فکر	business	کار، تجارت
across	از وسط، از عرض	attract	جذب کردن، جلب کردن	calligraphy	خطاطی، خوشنویسی
actual	واقعی	attraction	جاذبه	calm	آرام
add	اضافه کردن، افزودن	attractive	جالب، جذاب	calorie	کالری
addict	معتاد	available	موجود، در دسترس	camel	شتر
addiction	اعتیاد	avoid	اجتناب کردن از، جلوگیری کردن از	camera	دوربین
afraid	ترسیده	baggage	(در سفر) بار، چمدان	carry	حمل کردن
be afraid of	ترسیدن از	balanced	متعادل	cause	باعث ... شدن
against	در برابر، (بر) علیه	be after	دنبال ... بودن	cell	سلول
head	۱- در پیش، پیش رو ۲- جلو ۳- سر	be careful about	مواظب ... بودن، مراقب ... بودن	century	قرن
airplane	هواپیما	be located	قرار داشتن، بودن، واقع شدن	certainly	مطمئناً، قطعاً، یقیناً
alike	شبهه (به هم)، مثل هم	bear	خرس	cheaply	ارزان، به قیمت ارزان
alive	زنده	beauty	زیبایی، قشنگی	cheerful	شاد، خوشحال
alone	تنها، به تنهایی	beginner	مبتدی، تازه‌کار، نوآموز	cheetah	یوزپلنگ
amazed	حیرت‌زده، شگفت‌زده	behave	رفتار کردن	choice	۱- انتخاب ۲- حق انتخاب
amazing	حیرت‌انگیز، شگفت‌آور	behavior	رفتار	clear	۱- زلال، صاف ۲- تمیز کردن
among	۱- از جمله ۲- در بین	Belgium	بلژیک	close	۱- نزدیک ۲- بستن
amount	مقدار، میزان	belief	اعتقاد، عقیده، ایمان	clothing	لباس، پوشاک
amused	سرگرم	believe	باور داشتن، ایمان داشتن	cloudy	ابری
ancient	باستانی، قدیمی	besides	علاوه بر	coffee	قهوه
ant	مورچه	billion	میلیارد	collect	۱- جمع کردن ۲- جمع‌آوری کردن
anymore	دیگر	bird	پرنده	collection	مجموعه
appreciate	قدر ... را دانستن، درک کردن	blood	خون	combination	ترکیب
area	منطقه، ناحیه	blood pressure	فشار خون	come in	وارد شدن
arrive	۱- آمدن ۲- رسیدن	take somebody's blood pressure	فشار خون کسی را گرفتن	comfortable	راحت، آسوده
art	هنر	boat	قایق	common	رایج، متداول
artifact	شیء دست‌ساز قدیمی	booklet	کتابچه، دفترچه	communicate	ارتباط برقرار کردن
artist	هنرمند	bookstore	کتاب‌فروشی	communication	ارتباط
artwork	اثر هنری	boring	کسل‌کننده، خسته‌کننده	condition	وضعیت، (در جمع) شرایط
as well	هم، نیز	borrow	قرض گرفتن	confident	با اعتماد به نفس، مطمئن
as	۱- چون، زیرا ۲- به عنوان ۳- وقتی که			confused	گیج

consider	در نظر گرفتن، مورد توجه قرار دادن	disease	بیماری	fall down	افتادن
contain	شاملی ... بودن، داشتن	disorder	اختلال، بی‌نظمی	familiar	آشنا
continent	قاره	diversity	تنوع	far	دور
cool	۱- عالی، محشر ۲- خنک	domestic	داخلی، اهلی	farming	کشاورزی
couch potato	خوره تلویزیون	donate	(خون و غیره) اهدا کردن	farther	دورتر
cradle	گهواره، مهد	drop	قطره	fatty	چرب، پرچربی
craftsman	صنعتگر مرد	drug	دارو	feeling	احساس
create	آفریدن، به وجود آوردن	during	در طول، (در) طی	fight	جنگیدن، مبارزه کردن
creation	آفرینش، خلقت	Earth	(کره) زمین	finally	سرانجام، در آخر
creative	خلاق	economy	اقتصاد	fingerprint	اثر انگشت
creator	آفریننده، خالق	education	آموزش	fire service	آتش‌نشانی
cross	گذشتن از، رد شدن از	effect	اثر، تأثیر	flat	۱- [لاستیک] پنجره ۲- صاف، مسطح
cruel	بی‌رحم، ظالم	effective	مؤثر	flight	پرواز
cultural	فرهنگی	element	عنصر، رکن	fluently	به راحتی، روان، سلیس
culture	فرهنگ	elephant	فیل	fly	۱- پرواز کردن ۲- با هواپیما سفر کردن
cure	معالجه کردن، درمان کردن	embassy	سفارت، سفارت‌خانه	for example	برای مثال
custom	رسم، سنت	emotion	احساس، عاطفه	foreign	خارجی
cut down	[درخت] قطع کردن	emotional	احساساتی	foreigner	فرد (خارجی)
danger	خطر	enable	قادر ساختن، امکان دادن به	forest	جنگل
dangerous	خطرناک	end	۱- پایان ۲- پایان دادن	fortunate	خوش‌شانس
dark	تاریک، تیره	endangered	در معرض خطر	fortunately	خوشبختانه
day-to-day	روزانه، روزمره، هر روز	energetic	پرجنب‌وجوش، فعال	fresh	تازه
deaf	ناشنوا، گر	entertainment	سرگرمی، تفریح	frightened	ترسیده
dear	(در خطاب) عزیزم، جانم	escape	فرار کردن	full	پر
decorative	تزیینی، زینتی	especially	به ویژه، مخصوصاً، به خصوص	future	آینده
decrease	کاهش دادن، کم کردن	essay	مقاله	gain	۱- سود، منفعت ۲- به دست آوردن
deep	عمیق	etc.	و غیره	gain weight	چاق شدن، وزن اضافه کردن
defend	دفاع کردن از	even	حتی	gazelle	آهو، غزال
delicious	خوشمزه	every other week	یک هفته در میان	general	کلی، عمومی
depend	بستگی داشتن	exam	امتحان	generous	بخشنده، سخاوتمند
depressed	افسرده، غمگین	exchange	مبادله کردن	generously	سخاوتمندانه
depression	افسردگی	excited	هیجان‌زده	giraffe	زرافه
desert	بیابان، صحرا	exciting	هیجان‌انگیز	give up	[کار و غیره] دست کشیدن از
despite	علی‌رغم، با وجود	exist	وجود داشتن	go hunting	به شکار رفتن
destination	مقصد	expect	انتظار داشتن	go out	[آتش، چراغ] خاموش شدن
destroy	ویران کردن	expensive	گران	goat	بز
develop	پیشرفت کردن، توسعه دادن	experience	۱- تجربه ۲- تجربه کردن	gold	طلا
device	وسيله، ابزار	experiment	۱- آزمایش ۲- آزمایش کردن	grass	چمن، علف
die out	منقرض شدن	explain	توضیح دادن	grave	گور، قبر
diet	رژیم غذایی، غذا	extra	اضافی، بیشتر	greatly	خیلی، بسیار زیاد
different	مختلف، متفاوت	face	۱- صورت ۲- مواجه شدن با	groceries	خورا بار
difficult	دشوار، سخت	fact	واقعیت، حقیقت	grocery	خورا بارفروشی
disable	ناتوان کردن	factor	عامل	grow	رشد کردن
disappear	از بین رفتن، ناپدید شدن	factory	کارخانه	grow up	[شخص] بزرگ شدن
discount	تخفیف	fall	کاهش یافتن، پایین آمدن	habit	عادت

اسم

اسم کلمه‌ای است که برای نامیدن اشخاص (soldier)، حیوانات (lion)، مکان‌ها (hospital)، اشیا (train) و ایده‌ها (danger) به کار می‌رود.

اسم مفرد و جمع

چنانچه اسم مفرد یا صفت قبل از آن با صامت یا حروف بی‌صدا شروع شده باشد، از a و چنانچه با مصوت یا حروف صدا دار شروع شده باشد، از an، قبل از آن استفاده کنیم. حواستون باشه university و European با صامت (ی) و hour با مصوت (ا) شروع میشه.

an apple / a red apple / an umbrella / a university / an egg / a European country / a house / an hour

برای جمع بستن اسم، به آخر آن s یا es اضافه کنیم. برخی از اسم‌ها هم شکل جمع بی‌قاعده دارن.

book → books / bus → buses / wolf → wolves / mouse → mice / sheep → sheep

اسم عام و خاص

اسم عام اسمی است که برای همه افراد، اشیا و ... هم جنس به کار می‌رود. مثل: mountain / city / girl / language / month / planet

اسم خاص اسمی است که فقط برای یک شخص، چیز و غیره به کار می‌رود و با حرف بزرگ شروع میشه مثل: Everest / Qom / Kate / Arabic / July / Mars

Everest / Qom / Kate / Arabic / July / Mars

اسم قابل شمارش و غیرقابل شمارش

اسامی قابل شمارش (cup, cups, man, men, ...) شکل مفرد و جمع داره و با فعل مفرد (is, was, ...) و جمع (are, were, ...) به کار می‌رود.

اسامی غیرقابل شمارش (water, milk, juice, sugar, bread, rice, meat, ...) فقط شکل مفرد داره و با فعل مفرد (is, was, ...) به کار می‌رود.

There is an apple on the table. There are some apples on the table. There is some water in the bottle.

بعد از a lot of, a little, some, many, a few, few و How many و اعداد بیش از یک، اسم قابل شمارش جمع با فعل جمع میاد. ولی

بعد از a lot of, a little, some, many, a few, few و How much و اسم غیرقابل شمارش که همیشه به صورت مفرد با فعل مفرد میاد.

از How much برای پرسیدن قیمت، هم با اسامی قابل شمارش مفرد و جمع و هم با اسامی غیرقابل شمارش استفاده میشه.

How much is this car / the meat? How much does this car / the meat cost? How much are these pens?

اسامی غیرقابل شمارش، جمع بسته نمی‌شن ولی برای شمردن اونا می‌تونین از واحدها استفاده کنیم:

a loaf of bread _ four slices of cake _ a piece of paper _ ten bottles of water _ some bags of rice _ two cups of tea

ضمیر

	ضمایر فاعلی	ضمایر مفعولی	صفات ملکی	ضمایر self				
مفرد	I	من	me	به من، مرا	my	م، - من	myself	خودم
	You	تو	you	به تو، تو را	your	ت، - تو	yourself	خودت
	He	او (مذکر)	him	به او، او را	his	ش، - او	himself	خودش
	She	او (مؤنث)	her	به او، او را	her	ش، - او	herself	خودش
	It	آن	it	به آن، آن را	its	ش، - آن	itself	خودش
جمع	We	ما	us	به ما، ما را	our	مان، - ما	ourselves	خودمان
	You	شما	you	به شما، شما را	your	تان، - شما	yourselves	خودتان
	They	آنها	them	به آنها، آنها را	their	شان، - آنها	themselves	خودشان

ضمایر فاعلی یا فاعل، انجام‌دهنده عملی است و در ابتدای جمله، قبل از فعل میاد.

ضمایر مفعولی یا مفعول کلمه‌ای است که عملی بر روی اون انجام شده و بعد از فعل اصلی یا حرف اضافه میاد.

My sister (she) helped Javad (him).

فاعل فعل مفعول

فواهرم (او) به پواد (به او) کمک کرد.

ضمایر تأکیدی برای تأکید بر روی فاعل بعد از فاعل یا بعد از مفعول به کار می‌رود. ضمیر تأکیدی باید از جنس فاعل باشه.

He himself made dinner. = He made dinner himself.

فاعل مفعول

او خودش شام درست کرد.

ضمایر انعکاسی بعد از فعل یا بعد از حرف اضافه به کار می‌رود. در این حالت فاعل و مفعول یکی هستن. ضمیر انعکاسی باید از جنس فاعل باشه.

She made herself dinner. = She made dinner for herself.

فعل حرف اضافه

او برای خودش شام درست کرد.



صفت

صفت کلمه‌ای است که اسم را توصیف می‌کند و قبل از اسم یا بعد از فعل ربطی (to be / get / become / look / feel ...) به کار می‌رود.
 او یک ماشین گران قیمت دارد. ماشینش گران قیمت است.
 He has an expensive car. His car is expensive.
 صفت فعل ربطی اسم صفت

مقایسه صفات

صفات باقاعده:

معنی	صفت بیش از یک بخشی		صفت یک بخشی یا دو بخشی مختوم به y		نوع صفت
سخت	difficult	شکل ساده صفت	hard	شکل ساده صفت	صفت ساده
به سختی	as difficult as	as + صفت + as	as hard as	as + صفت + as	صفت تساوی
سخت تر (از)	more difficult (than)	more + صفت + (than)	harder (than)	er + (than) + صفت	صفت تفضیلی
سخت ترین	the most difficult	صفت + the most	the hardest	est + صفت + the	صفت عالی

صفات بی قاعده:

زیاد	many / much	کم	little	دور	far	بد	bad	خوب	good	صفت ساده
به اندازه	as many as	به کمی	as little as	به دوری	as far as	به بدی	as bad as	به خوبی	as good as	صفت تساوی
بیشتر	more	کم تر	less	دورتر	farther	بدتر	worse	بهتر	better	صفت تفضیلی
بیشترین	the most	کم ترین	the least	دورترین	the farthest	بدترین	the worst	بهترین	the best	صفت عالی

ترتیب صفات قبل از اسم:

اسم	Material (جنس)	Nationality (ملیت)	Color (رنگ)	Age (سن)	Size (اندازه)	Opinion (ایده و کیفیت)	معرف
tables	wooden	French	white	old	small	cheap	two
soldiers		Italian		young	tall	brave	some
carpet	silk	Persian	red	new	large	lovely	a

قید حالت

برای بیان حالت یا چگونگی انجام عملی از قید حالت استفاده می‌کنیم. قید حالت باقاعده به صورت زیر ساخته می‌شود:

قید حالت → ly + صفت

She drives carefully.

قید حالت

او با دقت رانندگی می‌کند.

قید حالت بعد یا قبل از فعل اصلی می‌آید و درباره نحوه اتفاق افتادن فعل توضیح می‌دهد، ولی صفت بعد از فعل ربطی (to be, look, feel و ...) یا قبل از اسم می‌آید و اون را توصیف می‌کند.

The woman looked happy. She spoke happily.

قید حالت فعل اصلی صفت فعل ربطی

آن زن خوشحال به نظر می‌رسید. او با خوشحالی صحبت کرد.

نکته: ۱ قید حالت بعد از فعل می‌آید ولی اگر جمله، مفعول داشته باشد، قید حالت بعد از مفعول می‌آید.

English is an easy language. We can learn English easily.

قید حالت مفعول فعل اصلی اسم صفت

انگلیسی زبان راحتی است. ما می‌توانیم به راحتی انگلیسی را یاد بگیریم.

نکته: ۲ قیده‌های حالت بی قاعده زیر رو یاد بگیرین:

صفت	قید حالت
good	well خوب، به خوبی
fast	fast به سرعت
hard	hard به سختی

Our teacher is good. He teaches English very well.

قید حالت فعل اصلی صفت فعل ربطی

معلم ما خوب است. او انگلیسی را خیلی خوب درس می‌دهد.

Lesson 1: Sense of Appreciation

حس قدردانی



لطفاً برای دانلود ترجمه تمام مکالمه‌ها و متن‌های درس اول کتاب دانش‌آموز و کار، QR Code روبه‌رو را اسکن کنید.

A: Vocabulary

واژگان پایه درس اول

abroad	به خارج، در خارج (از کشور)	experiment	۱- آزمایش ۲- آزمایش کردن	politely	مؤدبانه
advice	توصیه، نصیحت	generous	بخشنده، سخاوتمند	prefer	ترجیح دادن
be angry with sb	از دست کسی عصبانی بودن	happen	اتفاق افتادن، رخ دادن	product	محصول، تولید
as well	هم، نیز، همچنین	helpful	سودمند، مفید	protect	محافظت کردن از
collection	مجموعه، کلکسیون	hometown	زادگاه، وطن	rarely	به ندرت
comfortable	راحت	hopefully	با امیدواری، امیدوارم که	religious	مذهبی، دینی
condition	شرط، وضعیت	identity	هویت	series	(تلویزیون) مجموعه، سریال
consider	در نظر گرفتن	improve	بهبودبخشیدن	serious	جدی، مهم، وخیم
create	خلق کردن، به وجود آوردن	including	از جمله، شاملی	set	مجموعه، سری
cure	۱- معالجه کردن ۲- معالجه، درمان	increase	افزایش یافتن، افزایش دادن	society	جامعه
date	۱- تاریخ ۲- خرما	invention	اختراع	special	خاص، مخصوص، ویژه
definitely	قطعاً، مطمئناً، یقیناً	language	زبان	success	موفقیت
disease	بیماری	light bulb	لامپ	suddenly	ناگهان، به طور ناگهانی
dish	۱- غذا ۲- ظرف	lovely	۱- قشنگ ۲- دوست‌داشتنی	take care of	مراقبت کردن از
donate	اهدای کردن	medicine	۱- پزشکی، طب ۲- دارو	thought	اندیشه، فکر
education	آموزش، تحصیلات	memory	حافظه	toy	اسباب بازی
emotion	۱- احساس، احساسات ۲- عاطفه	no matter	مهم نیست که، صرف نظر از این که	value	ارزش
experience	۱- تجربه ۲- تجربه کردن			weave	بافتن

واژگان سطر به سطر کتاب دانش‌آموز

Title Page

sense /sens/ n ۱- احساس ۲- حس، (در جمع) حواس

= emotion, feeling حس، احساس

a sense of responsibility احساس مسئولیت

He has a good sense of smell. او حس بویایی خوبی دارد.

appreciation /əˌpri:ʃi'eɪʃən/ n قدردانی، سپاس‌گزاری

appreciate قدر را دانستن، قدردانی کردن از، قدردان ... بودن

a sense of appreciation حس قدردانی، قدرشناسی

I gave her some flowers to show my appreciation.

من به او تعدادی گل دادم تا قدردانی‌ام را نشان بدهم.

lower /ləʊər/ v ۱- پایین آوردن ۲- کم کردن، کاهش دادن

= reduce, decrease کم کردن، کاهش دادن، پایین آوردن

low کم، پایین

Helping others lowers blood pressure.

کمک کردن به دیگران فشار خون را پایین می‌آورد.

kindness /'kaɪndnəs/ n مهربانی، محبت، لطف

kind ۱- نوع ۲- مهربان

do sb a kindness در حق کسی لطف کردن

I'll never forget your kindness.

من هرگز لطف شما را فراموش نخواهم کرد.

boost /bu:st/ v زیاد کردن، افزایش دادن، تقویت کردن

= increase, raise افزایش دادن

= decrease, lower, reduce کم کردن، کاهش دادن

Kindness boosts energy. مهربانی انرژی را افزایش می‌دهد.

strength /streŋθ/ n قدرت، توان، نیرو

strong قوی

I don't have enough strength to lift the box.

من قدرت کافی برای بلند کردن آن جعبه را ندارم.

elderly /'eldəli/ adj مسن، سالمند

= old مسن، پیر

= young جوان

the elderly افراد مسن

We should respect elderly people.

ما باید به افراد مسن احترام بگذاریم.

teenager /'ti:neɪdʒər/ n نوجوان

= teen نوجوان



Teenagers who help others are more successful in life.

نوجوانانی که به دیگران کمک می‌کنند، در زندگی موفق‌تر هستند.

grandchild /'græntʃaɪld/ n نوه

grandson نوه پسر

granddaughter نوه دختر

Lucy is his youngest grandchild. لوسی کوچک‌ترین نوه او است.

function /'fʌŋkʃən/ n کارکرد، عملکرد، نقش

= role نقش

Taking care of grandchildren increases brain function.

مراقبت کردن از نوه‌ها عملکرد مغز را افزایش می‌دهد.

memory /'meməri/ n حافظه

from memory از حفظ، از بر

lose one's memory حافظه خود را از دست دادن

Helen has a very good memory. هلن حافظه خیلی خوبی دارد.

Get Ready

respect /rɪ'spekt/ v احترام گذاشتن به، تحسین کردن

show respect to sb به کسی احترام گذاشتن

have respect for sb برای کسی احترام قائل شدن

Children should respect their parents.

بچه‌ها باید به والدینشان احترام بگذارند.

loving /'lʌvɪŋ/ adj مهربان، بامحبت

= kind, friendly مهربان

lovely ۱- دوست‌داشتنی ۲- قشنگ

I have loving parents. من والدین مهربانی دارم.

Conversation

temperature /'temprətʃər/ n ۱- تب ۲- درجه حرارت، دما

= fever تب

take sb's temperature تب کسی را اندازه‌گرفتن

The nurse is taking her temperature. پرستار دارد تبش را اندازه می‌گیرد.

physician /fɪ'zɪʃən/ n پزشک، دکتر

= doctor پزشک، دکتر

Dr. Gharib was regarded as a kind physician.

دکتر قریب به عنوان یک پزشک مهربان قلمداد می‌شد.

regard /rɪ'gɑːrd/ v, n ۱- دانستن، قلمداد کردن ۲- توجه

= attention توجه

regard sb as ... کسی را ... دانستن / قلمداد کردن، کسی را به عنوان ... در نظر گرفتن

I regard her as my best friend. من او را بهترین دوستم می‌دانم.

dedicated /'dedɪkeɪtəd/ adj متعهد، پایبند

dedicate وقف کردن، اختصاص دادن به

Mr. Smith is a dedicated teacher. آقای اسمیت یک معلم متعهد است.

spare /spɛər/ v دریغ کردن، مضایقه کردن

spare no effort to do sth از هیچ تلاشی دریغ نکردن

spare no pains to do sth از هیچ تلاشی دریغ نکردن

He spared no pains to cure sick children.

او از هیچ تلاشی برای معالجه کودکان بیمار دریغ نمی‌کرد.

distinguished /dɪ'stɪŋgwɪʃt/ adj معروف، مشهور، برجسته

= famous, well-known معروف، مشهور

distinguish تشخیص دادن، فرق گذاشتن (بین)

He was known as a distinguished university professor.

او به عنوان یک استاد برجسته دانشگاه معروف بود.

surprisingly /sə'rpraɪzɪŋli/ adv با کمال تعجب، به طرز شگفت‌آوری

not surprisingly عیب نیست که، تعجبی ندارد که

surprising هیرت‌انگیز، تعجب‌آور

surprised متعجب، شگفت‌زده

Not surprisingly he was regarded as a dedicated physician.

تعجبی ندارد که او به‌عنوان پزشکی متعهد قلمداد می‌شد.

found /faʊnd/ v تأسیس کردن، بنیان نهادن

= start, establish تأسیس کردن

نکته: به گذشته و قسمت سوم دو فعل found (تأسیس کردن)

و find (پیدا کردن) توجه کنید:

found/ founded/ founded find/ found/ found

This center was founded by Dr. Gharib.

این مرکز توسط دکتر قریب تأسیس شد.

close /kloʊs/ adj ۱- صمیمی ۲- نزدیک

= friendly صمیمی، مهربان

close بستن

John and I are close friends. من و جان دوستان صمیمی هستیم.

catch /kætʃ/ v [بیماری] مبتلا شدن به [قطار و غیره] رسیدن به، سوار ... شدن

(catch, caught, caught)

catch the flu به آنفلوآنزا مبتلا شدن

She has caught a terrible flu. او به آنفلوآنزای شديدي مبتلا شده است.

terrible /'terɪbəl/ adj خیلی بد، افتضاح، شدید

= bad بد

= nice, good خوب

She had a terrible accident. او تصادف خیلی بدی کرد.

hear of /hɪər əv/ phr v درباره ... شنیدن

hear (hear, heard, heard) شنیدن

hearing شنوایی

Have you ever heard of Dr. Gharib?

آیا تاکنون درباره دکتر قریب شنیده‌ای؟

diploma /dɪ'pləʊmə/ n دیپلم، مدرک تحصیلی

He's received his high school diploma recently.

او اخیراً دیپلم دبیرستانش را دریافت کرده است.

pity /'pɪti/ n حیف، مایه تأسف

what a pity! چه حیف! حیف شد!

It's a pity! حیف شد که، مایه تأسف است که

It's a pity you can't come to the party.

حیف شد که نمی‌توانید به مهمانی بیایید.

textbook /'tekstbʊk/ n کتاب درسی

text ۱- متن ۲- پیامک کردن

This textbook is written in simple English.

این کتاب درسی به زبان انگلیسی ساده نوشته شده است.

by the way راستی

way ۱- راه، ۲- شیوه

By the way, I got an e-mail from Tom yesterday.

راستی، دیروز یک ایمیل از تام دریافت کردم.

might /maɪt/ modal گذشته (ممکن بودن، احتمال داشتن)

Don't run, because you might fall. نرو، چون ممکنه بیفتی.



هم‌نشین‌ها (Collocations) در فارسی به معنی «هم‌نشین» یا «هم‌آیند» است. «هم‌نشین» دو یا بیش از دو کلمه هستند که با هم میان و ترکیب این کلمات برای انگلیسی‌زبانان قابل قبول و معنی داره. «هم‌نشین‌ها» ترکیبای درست و رایج در زبان انگلیسی هستند. به عبارتی به ما می‌گن که کدام کلمه‌ها می‌تونن در کنار هم قرار بگیرن. بنابراین حواستون باشه ما که انگلیسی‌زبان نیستیم، نمی‌تونیم هر کلمه‌ای که به نظرمون درسته رو در کنار کلمه دیگه بیاریم و یک ترکیب بسازیم. ممکنه از نظر ما اون ترکیبی که درست کردیم، معنی دار باشه ولی ممکنه برای یه انگلیسی‌زبان نآشنا، غیرعادی و غلط باشه. مثلاً کلمه fast و quick هر دو به معنی «سریع» هستن ولی فقط کلمه fast با food میاد بنابراین ترکیب «fast food» (غذای حاضری، غذای سریع) درست ولی «quick food» غلطه. لطفاً جدول هم‌نشین‌ها رو با دقت بخونین.

ترکیبای غلط	ترکیبای درست
quick food	غذای حاضری fast food
fast meal	غذای حاضری quick meal
heavy wind	باد تند، باد شدید strong wind
strong rain	باران سنگین، باران شدید heavy rain
do a mistake	اشتباه کردن make a mistake
make exercise	ورزش کردن do exercise
study a newspaper	خواندن یک روزنامه read a newspaper
difficult of hearing	سنگین گوش hard of hearing
sit at the sofa	روی کاناپه نشستن sit on the sofa

توجه: تمام هم‌نشین‌ها و ترکیب کلمات درس رو در بخش هم‌نشین‌های هر درس آورده‌ام. لطفاً جدول هم‌نشین‌ها رو با دقت بخونین.

کلاس خصوصی واژگان درس ۱

فُتب، الان وقتشه برونی از این همه لغتی که یادگرفتی چه نوع سوالایی از بخش واژگان میار. انواع سوالایی بخش واژگان به صورت زیره:
 ۱- کلمه ناهماهنگ ۲- تمویلر ۳- تعریف ۴- پورکردنی ۵- دانش واژگانی ۶- تست ۷- هم‌نشین ۸- مترادف و متضاد
 بخش‌های (۱) تا (۶) انواعی از سوالات واژگانه که تاکنون در امتحانات هماهنگ کشوری استفاده شده و بخش‌های (۷) و (۸) در امتحانات مدارس و نوبت اول استفاده شده ولی ممکنه در سال‌های آینده در امتحانات نوابی هم مورد استفاده قرار بگیره.

کلمه ناهماهنگ در این قسمت، سه کلمه از لحاظ معنی یا نوع کلمه (اسم، فعل، صفت و قید بودن) با هم‌رنگ هماهنگ و یکی متفاوته.

Jobs	مشاغل	Positive Adjectives	صفات مثبت	Negative Adjectives	صفات منفی
physician	پزشک	loving	بامحبت	angry	عصبانی
nurse	پرستار	kind	مهربان	cruel	بی‌رحم، ظالم
author	نویسنده	friendly	صمیمی، مهربان	lazy	تنبل
inventor	مخترع	polite	مؤدب	rude	بی‌ادب
worker	کارگر	helpful	مفید، کمک‌کننده	nervous	عصبی، نگران
poet	شاعر	peaceful	آرام، ساکت	selfish	خودخواه
scientist	دانشمند	calm	آرام	careless	بی‌دقت
astronaut	فضانورد	comfortable	راحت	shy	خجالتی
Protect	محافظت کردن از	Generation	نسل	Products	محصولات
look after	مراقبت کردن از	grandparents	پدربزرگ و مادربزرگ	light bulb	لامپ
care for	مراقبت کردن از	grandfather	پدربزرگ	camera	دوربین
take care of	مراقبت کردن از	parents	والدین، پدر و مادر	smartphone	گوشی هوشمند
take care	مراقب بودن	children	بچه‌ها	dishwasher	ظرف‌شویی
look out	مراقب بودن	grandchildren	نوه‌ها	microwave oven	اجاق مایکروویو
watch out	مراقب بودن	elders	بزرگ‌ترها	sofa	مبل راحتی، کاناپه
be careful about	مراقب ... بودن	teenagers	نوجوانان	vase	گلدان

مثال: گزینه ناهماهنگ را انتخاب کنید.

1. a) cancer b) hearing c) flu d) heart attack
2. a) lovingly b) quietly c) calmly d) angrily

پاسخ: ۱ گزینه «b» hearing به معنی «شنوایی» است ولی بقیه به ترتیب «سرطان - آنفلوآنزا - سکتة قلبی» بیماری هستند.

۲ گزینه «d» angrily به معنی «با عصبانیت» به قید منفیه، ولی بقیه به ترتیب «با مهربانی - به آرامی، بی سروصدا - به آرامی» قیدای مثبت هستند.

۲ تصویر: سؤال تصویر به دو صورت می‌تونه طرح بشه:

۱- هر تصویر رو باید به جمله مربوط به اون وصل کنین.

۲- با توجه به تصویر باید کلمات ناقص رو کامل کنین.

مثال: هر تصویر را به جملات داده‌شده وصل کنید. (یک جمله اضافی است.)



1.

2.

3.

4.

- a Don't shout at your little sister. b We have to take care of elderly people.
c My little sister is sitting on my mother's lap now. d He hugged his children and said goodbye.
e We can help people by donating what they need. (نهایی فراداد ۱۴۰۲)

پاسخ: ۱ (c) خواهر کوچکم الان بر روی پای مادرم نشسته است.

۲ (d) او فرزندانش را در آغوش گرفت و خداحافظی کرد.

۳ (e) ما می‌توانیم با اهدای آن چه که مردم نیاز دارند به آن‌ها کمک کنیم.

۴ (a) سر خواهر کوچکت داد نزن.

مثال: با توجه به تصاویر، کلمات ناقص زیر را کامل کنید.

1. Columbus d _____ America in 1492.
2. I was taught to respect my e _____ .



پاسخ: ۱ discovered کریستف کلمب در سال ۱۴۹۲ آمریکا را کشف کرد.

۲ elders به من یاد دادند تا به بزرگ‌تره‌هایم احترام بگذارم.

۳ تعریف: با توجه به این‌که کتاب درسی در هر درس، ۵ تا ۸ کلمه رو تعریف کرده و برای اونا مثالی هم آورده، اهمیت این قسمت مشفمه. پس لطفاً تمرین تعریف این کتاب

رو با دقت بخونین. تعریف‌های این جدول هم مهمن و ممکنه از اینا هم سؤال بیار.

a long; soft seat for more than one person	صندلی دراز و نرم برای بیش از یک نفر	sofa	کاناپه، مبل راحتی
a drop of water that comes from your eyes when you cry	قطره‌ای از آب که وقتی گریه می‌کنید از چشمان شما می‌آید	tear	اشک
to find or learn something for the first time	پیدا کردن یا یادگرفتن چیزی برای اولین بار	discover	کشف کردن
ready and happy to do something	آماده و خوشحال برای انجام دادن کاری	willing	مایل، مشتاق
advice about how to do something	توصیه‌ای در مورد نحوه انجام کاری	guideline	توصیه
behavior that is kind and generous	رفتاری که محبت‌آمیز و سخاوتمند است	kindness	مهربانی
something that you have and is good or helpful	چیزی که شما دارید و خوب یا مفید است	blessing	نعمت
things from a society's past that people think are valuable	چیزهایی از گذشته یک جامعه که مردم فکر می‌کنند باارزش هستند	heritage	میراث
ideas about what is right and wrong	ایده‌هایی در مورد آن چه درست و اشتباه است	morals	اصول اخلاقی
rules that people use to decide what is right and wrong	اصولی که افراد استفاده می‌کنند تا تصمیم بگیرند چه چیزی درست و اشتباه است	ethics	اصول اخلاقی



مثال: ستون A و B را به هم وصل کنید. (در ستون B دو مورد اضافی است).

A

1. to take care of a child until they are grown up
2. to look after somebody who is sick, very old, etc.

B

- a be born
- b care for
- c bring up
- d behave

پاسخ: ۱ bring up (کودک [بزرگ کردن] مراقبت کردن از بچه تا بزرگ شود).

۲ care for (مراقبت کردن از) مراقبت کردن از کسی که بیمار، خیلی مسن و غیره است.

مثال: برای هر کلمه مشخص شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک تعریف اضافی است).

A

1. She burst into tears when she saw her score.
2. I've told Mohsen repeatedly to talk politely to his teachers.

B

- a in a quiet way
- b to cry suddenly
- c many times

پاسخ: ۱ (b) وقتی نمراتش را دید، زد زیر گریه. (ناگهان گریه کردن)

۲ (c) من بارها به محسن گفتم که با معلم‌هایش مؤدبانه صحبت کند. (چندین بار)

۴ جورکردنی ۵ دانش واژگانی ۶ تست **سوالی این قسمت به چهار صورت:**

۱- مفهومی، با توجه به مفهوم جمله، پاسخ میدین.

۲- هم نشینی، قسمتی از هم نشین که حذف شده پاسخ درسته، مثل:

تعجبی ندارد که **not surprisingly** / از همه مهم‌تر این که **most importantly** / حیف شد که **It's a pity**

از هیچ تلاشی دریغ نکردن **spare no pains to do sth** / تب کسی را اندازه گرفتن **take sb's temperature**

۳- سافطاری، سافطار کمک میکند راحت تر پاسخ بدین. مثل سافطار زیر:

either A or B یا A یا B

۴- تعریف، بر اساس تعریف کلمه پاسخ میدین، مثل سوال ۳ و ۴ تمرین دانش واژگانی.

مثال: جاهای خالی را با کلمات داده شده پر کنید. (یک کلمه اضافی است).

pity - founded - importantly - recorded - shout

1. It is a/an that the dedicated teacher is leaving our school.
2. Most you must keep a record of everything you do.
3. The bank was 60 years ago in Munich.
4. Don't like that. I can hear you perfectly.

پاسخ: ۱ pity حیف شد که آن معلم متعهد دارد مدرسه‌مان را ترک می‌کند.

۲ importantly از همه مهم‌تر این که، شما باید هر کاری که انجام می‌دهید را یادداشت کنید.

۳ founded آن بانک ۶۰ سال پیش در مونیخ تأسیس شد.

۴ shout این جوری داد نزن. من می‌توانم به طور کامل صدایت را بشنوم.

مثال: جاهای خالی را با دانش خود کامل کنید.

1. Did you t _ _ _ your temperature with a thermometer in your mouth?
2. My grandfather has s _ _ _ _ no pains to help the poor family recently.
3. Someone who is d _ _ _ _ works very hard at what they do because it is very important to them.
4. All the people who are about the same age are called a g _ _ _ _ .

پاسخ: ۱ take آیا تب خود را با استفاده از دماسنج در دهانت اندازه گرفتی؟

۲ spared پدر بزرگم اخیراً از هیچ تلاشی برای کمک به آن خانواده فقیر دریغ نکرده است.

۳ dedicated کسی که متعهد است، در آنچه که انجام می‌دهد سخت تلاش می‌کند چون برای او خیلی مهم است.

۴ generation تمام افرادی که تقریباً هم‌سن هستند یک نسل نامیده می‌شوند.

1. Not Barbara left him when she found a new job in the big company.
a) importantly b) repeatedly c) quietly d) surprisingly
2. If your sister tells me the truth, I will her.
a) forgive b) spare c) develop d) burst
3. You must be able to speak English or Spanish in this company.
a) almost b) either c) aloud d) once
4. After 20 minutes the temperature to 325°.
a) record b) catch c) lower d) regard

پاسخ: ۱ گزینه «d» عجیب نیست که باربارا وقتی کار جدیدی در آن شرکت بزرگ پیدا کرد او را ترک کرد.
۲ گزینه «a» اگر خواهرت حقیقت را به من بگویدی، او را خواهیم بخشید.
۳ گزینه «b» تو باید بتوانی در این شرکت یا انگلیسی یا اسپانیایی صحبت کنی.
۴ گزینه «c» بعد از ۲۰ دقیقه، دما را تا ۳۲۵ درجه پایین بیاورید.

۷ **هم‌نشین** مطمئن تا حالا زیاد از خودت یا از دیرت پرسیدی که چرا با وجود این که معنی تموم لغت را بلد می‌شوی، ولی برخی جمله‌ها رو نمی‌تونی معنی کنی. دلیل اصلی هم‌نشینی هر درسه که باید بلد باشی تا مشکلات حل شه. هواستون باشه هم‌نشینی رو کلمه به کلمه معنی نکنی. مثلاً آگه هم‌نشینی (burst into tears) رو کلمه به کلمه معنی کنی، به چیزی مثل «منقهر شدن در اشک‌ها» میشه که خیلی بی‌معنیه. آگه هم‌نشینی هر درس رو یاد بگیرین، می‌تونین به راحتی جمله‌ها و متن‌ها رو معنی کنین و به بیشتر سوالاتی واکنش پاسخی بدین.
 در مورد سؤال هم‌نشینی، هر هم‌نشینی رو نصف می‌کنن، نصف هم‌نشینی رو زیر ستون A و نصف دیگه رو زیر ستون B مینویسن و شما باید اونا رو به هم وصل کنین. به همین راحتی (البته به شرطی که هم‌نشینی هر درس رو بلد باشین).

burst into tears	زدن زیر گریه	a few years hence	چند سال بعد
by heart	از حفظ، از بر	elderly people	افراد مسن
learn sth by heart	چیزی را حفظ کردن	brain function	عملکرد مغز
shout at sb	سر کسی دادزدن	first of all	قبل از هر چیز، اول از همه
catch the flu	به آنفلوآنزا مبتلا شدن	a little later	کمی بعد
hear of sth/sb	درباره چیزی / کسی شنیدن	after a little while	بعد از مدت کمی
inform sb of/about sth	در مورد چیزی به کسی اطلاع دادن	again and again	بارها، به کرات
receive education	آموزش دیدن، آموزش دریافت کردن	ups and downs	فراز و نشیب، پستی و بلندی
go to sleep	به خواب رفتن، خوابیدن	all the time	همیشه، همواره
feel angry	عصبانی شدن	of all time	در تاریخ، در تمام دوران
feel honored	افتخار کردن	on one's own	تنها، به تنهایی
keep doing sth	به کاری ادامه دادن، مدام کاری را انجام دادن	sit on sb's lap	روی پاهای کسی نشستن
keep a diary	خاطرات خود را نوشتن	most / more importantly	از همه مهم‌تر این که
make a mistake	اشتباه کردن	more interestingly	جالب‌تر این که
show respect to sb	به کسی احترام گذاشتن	not surprisingly	عجیب نیست که، تعجبی ندارد که
spare no pains to do sth	از هیچ تلاشی دریغ نکردن	the Children's Medical Center	مرکز طبی کودکان
take a rest	استراحت کردن	sense of belonging	احساس تعلق، تعلق خاطر
take sb's temperature	تب کسی را اندازه گرفتن	sense of appreciation	حس قدردانی، قدرشناسی
take care of sb	از کسی مراقبت کردن	be known as	به عنوان ... معروف بودن / شناخته شدن
be angry with sb	از دست کسی عصبانی بودن	go through	متحمل شدن، تجربه کردن
be hard of hearing	گوش (کسی) سنگین بودن	be remembered for sth	به خاطر ... معروف بودن / در یادها ماندن
be proud of	افتخار کردن به، احساس غرور کردن	regard sb as	کسی را ... دانستن / قلمداد کردن
be at the top of all	بالتر از همه چیز بودن	It's a pity!	حیف شد! مایه تأسف است!
be willing to do sth	مایل به انجام کاری بودن	What's wrong with him?	چشمه؟ مشکلیش چیه؟
be worth doing sth	ارزش انجام کاری را داشتن	How's everything?	اوضاع چطوره؟
be worthy of sth	سزاوار چیزی بودن، لایق چیزی بودن	take responsibility for	مسئولیت ... را قبول کردن
by accident	اتفاقی، به طور تصادفی	end in failure	منجر به شکست شدن
by the way	راستی، ضمناً	a lack of success in	عدم موفقیت در



مثال: ستون A و B را به هم وصل کنید. (در ستون B یک مورد اضافی است.)

A	B
1. spare no	a by heart
2. burst	b of hearing
3. learn the Holy Quran	c of appreciation
4. receive	d pains to cure sick children
5. be hard	e religious education
6. quite by	f into tears
	g accident

پاسخ: ۱ (d) از هیچ تلاشی برای معالجهٔ کودکان بیمار دریغ نکردن
 ۲ (f) زدن زیر گریه
 ۳ (a) قرآن مجید را حفظ کردن
 ۴ (e) آموزش دینی دیدن (دریافت کردن)
 ۵ (b) گوش کسی سنگین بودن
 ۶ (g) کاملاً به طور تصادفی

spare no pains to cure sick children	(d)
burst into tears	(f)
learn the Holy Quran by heart	(a)
receive religious education	(e)
be hard of hearing	(b)
quite by accident	(g)

مترادف و متضاد ◀ مترادف و متضاد کلمه به شما کمک می‌کنن تا معنی و مفهوم اون کلمه رو بهتر درک کنین.

مترادف

accidentally = by accident	اتفاقی، به طور تصادفی	lovingly = kindly	با مهربانی
appreciate = value	قدر ... دانستن	lower = decrease, reduce	کم کردن، کاهش دادن
appreciate = be grateful for	قدردان (سپاسگزار) بودن به خاطر	mostly = mainly	عمدتاً
attempt = try, effort	سعی، تلاش	ordinary = normal, usual	عادی، معمولی
author = writer	نویسنده	pause = stop	توقف کردن
boost = increase, raise	زیاد کردن، افزایش دادن	peaceful = quiet, calm	آرام، ساکت
care for = look after, take care of	مراقبت کردن از	poetry = poems	شعر
close = friendly	صمیمی	physician = doctor	پزشک، دکتر
countless = many, lots of	خیلی زیاد	principle = rule	اصل، قاعده، قانون
develop = expand	توسعه دادن، گسترش دادن	principles = morals, ethics	اصول اخلاقی
develop = produce, make	تولید کردن	quietly = calmly	به آرامی
deserve = to be worthy	سزاوار بودن، لایق بودن	record = write down	یادداشت کردن، نوشتن
donate = give	هدا کردن، دادن	regard = consider	در نظر گرفتن، به حساب آوردن، دانستن
distinguished = famous, well-known	معروف، مشهور	reply = answer	پاسخ دادن
elderly = old	مسن، پیر	repeatedly = frequently, again and again	بارها
enjoyable = pleasant	خوشایند، دلپذیر	regarding = about	در باره، در مورد
for instance = for example	برای مثال، برای نمونه	robber = thief	دزد
found = start, establish	تأسیس کردن	score = mark, grade	نمره
function = role	نقش	sense = feeling, emotion	حس، احساس
guideline = advice	توصیه	solution = answer	پاسخ، جواب
hence = so, thus, therefore	بنابراین	terrible = bad	شدید، بد
keep = continue	ادامه دادن	tool = device, instrument	ابزار، وسیله
loving = kind, friendly	مهربان	willing = ready	مایل، مشتاق، آماده

countless - grateful - wisdom - hence - regarding - cancer - inform - worth - heritage

43. He died of stomach in London last month.
44. The forest was the natural home to species of birds and animals.
45. He's decided to take a look at the house and see if it might be buying.
46. I'm really for everything you've done for me.
47. Call me if you have any problems your work.
48. These beautiful old buildings are part of our national
49. Some people believe that experience is the mother of
50. They decided to the police of the accident.

ستون A و B را به هم وصل کنید. (در ستون B یکی اضافی است).

A	B
51. catch	a importantly
52. take	b a rest
53. shout	c the way
54. make	d surprisingly
55. not	e instance
56. most	f the flu
57. for	g at sb
58. by	h of hearing
	i a mistake

جمله‌های زیر را با نوشتن کلمات مناسب کامل کنید.

59. Dr. Gharib went a _____ to study medicine and then came back to his homeland. (نهایی فرورد ۱۳۰۲)
60. Kindness b_____ energy and strength in elderly people. (نهایی شهریور ۱۳۰۲)
61. Some animals like dogs have a very good s_____ of smell. (نهایی دی ۱۳۰۱)
62. The baby enjoys sitting on her mother's l____. (نهایی فرورد ۹۹)
63. In Germany people usually h____ each other when they meet. (نهایی فرورد ۹۸)
64. I have recorded my thoughts and feelings in my d_____ every day for 10 years. (نهایی شهریور ۹۸)
65. They have to speak louder, because their grandmother is hard of h_____ . (نهایی شهریور ۹۹)
66. In many countries, for i_____ Japan, fish is a very important part of the diet.
67. After the accident, her parents c_____ for her until she was better.
68. He was b_____ up by his aunt after his parents died.
69. Mary put her head on her mother's shoulder and burst into t_____ .
70. Unfortunately, their first attempt to climb Mount Everest ended in f_____ .
71. Dr. Gharib was a famous p_____ who taught medicine to thousands of students.
72. My father can still recite the poems he learned by h_____ at school.
73. A book that teaches a particular subject and that is used especially in schools and colleges is a t_____ .

مترادف یا متضاد کلمات مشخص شده را از ستون مقابل پیدا کنید. (یک کلمه اضافی است).

- | | | |
|---|---|--------------|
| 74. The teacher gave the students some <u>guidelines</u> on writing essays. | = | a increase |
| 75. I can't find a <u>solution</u> to this problem. | = | b look after |
| 76. He gave up his job to <u>care for</u> his elderly mother. | = | c loving |
| 77. It's interesting to see how <u>ordinary</u> people live in other countries. | ≠ | d answer |
| 78. Speak more <u>quietly</u> , please. | ≠ | e loudly |
| 79. Please <u>lower</u> your voice. | ≠ | f advice |
| | | g specific |





- 80. She kindly drove me to the train station. = a young
- 81. I spoke to Martin this morning regarding the matter. = b famous
- 82. Mr. Jones is a distinguished doctor. = c boost
- 83. He paused for a moment before answering my question. ≠ d success
- 84. The team's lack of communication led to their project's failure. ≠ e about
- 85. His parents are quite elderly. ≠ f continued
- g lovingly

■ گزینه صحیح را انتخاب کنید.

- 86. We gave her some flowers to show our for her hard work.
 - a) strength
 - b) appreciation
 - c) function
 - d) inspiration
- 87. Having such a helpful and friendly family has been a real
 - a) blessing
 - b) principle
 - c) moral
 - d) appreciation
- 88. The of the heart is to send blood around the body.
 - a) sense
 - b) function
 - c) blessing
 - d) tool
- 89. The beauty of the mountains is a great to many artists.
 - a) inspiration
 - b) role
 - c) heritage
 - d) solution
- 90. There are several interesting places to visit. Isfahan, for, has a lot of historic buildings.
 - a) solution
 - b) heritage
 - c) inspiration
 - d) instance
- 91. You need to take for your own actions.
 - a) strength
 - b) memory
 - c) responsibility
 - d) sense
- 92. I'm so sorry, I deleted your files from the computer last night.
 - a) quietly
 - b) successfully
 - c) mostly
 - d) accidentally
- 93. This vitamin your immune system from diseases.
 - a) forgives
 - b) boosts
 - c) catches
 - d) records
- 94. Parents try to give their children a/an of responsibility.
 - a) tool
 - b) instance
 - c) sense
 - d) memory
- 95. A combination of diet and exercise can help to your blood pressure.
 - a) lower
 - b) regard
 - c) spare
 - d) record
- 96. Tom and Mary asked John to their children while they go to their yoga class.
 - a) burst into
 - b) care for
 - c) belong to
 - d) bring up
- 97. Making use of fire may be as man's greatest invention.
 - a) developed
 - b) burst
 - c) regarded
 - d) forgiven
- 98. I believe that your children need to feel a real sense of
 - a) belonging
 - b) heritage
 - c) solution
 - d) function
- 99. We should no pains to protect our environment.
 - a) burst
 - b) hug
 - c) spare
 - d) regard
- 100. Besides the principal, many other guests were present.
 - a) countless
 - b) peaceful
 - c) grateful
 - d) distinguished
- 101. Alexander Fleming was distinguished for penicillin to cure many patients.
 - a) discovering
 - b) recording
 - c) bursting
 - d) sparing
- 102. Not on such a pleasant afternoon, the park is full of people.
 - a) importantly
 - b) successfully
 - c) surprisingly
 - d) quietly
- 103. A moral rule or belief about what is right and wrong, that influences how you behave is a
 - a) principle
 - b) heritage
 - c) generation
 - d) blessing
- 104. Students were asked to their activities in a weekly
 - a) boost / textbook
 - b) boost / diary
 - c) record / textbook
 - d) record / diary

105. It is against my to borrow money from my friends.
 a) principles b) guidelines c) instances d) functions
106. Did you know that sports play an important in social life?
 a) score b) pity c) sense d) role
107. Helen has a great personality, but more, she has enough experience for the job.
 a) unconditionally b) lovingly c) importantly d) repeatedly
108. He had the to lend me his car when mine broke down.
 a) blessing b) strength c) inspiration d) kindness
109. Dr. Smith is very friendly and helpful to his patients. Not surprisingly, he is regarded as a/an physician.
 a) dedicated b) willing c) enjoyable d) ordinary
110. My parents told me that we should respect the
 a) peaceful b) elderly c) loving d) dedicated
111. I am really for my parents' support during difficult times.
 a) loving b) grateful c) dedicated d) distinguished
112. My grandfather believes that it is our moral to help our neighbors.
 a) wisdom b) inspiration c) diary d) duty
113. We really all the help you gave us last weekend.
 a) appreciate b) belong c) inform d) burst
114. The responsibility of being a parent is heavy; some people can't it.
 a) regard b) spare c) handle d) forgive
115. Helen's parents are really generous and kind. They always support my family
 a) unconditionally b) accidentally c) importantly d) suddenly
116. I think that the elders' wisdom and life experience are of respect.
 a) dedicated b) loving c) worthy d) comfortable

B: Grammar

معلوم و مجهول / Active and Passive



Somebody **cleans** the office every day. (معلوم). کسی هر روز دفتر را تمیز می‌کند.

The office **is cleaned** every day. (مجهول). دفتر هر روز تمیز می‌شود.

Somebody **cleaned** the office yesterday. (معلوم). کسی دیروز دفتر را تمیز کرد.

The office **was cleaned** yesterday. (مجهول). دیروز دفتر تمیز شد.

① جمله معلوم جمله‌ای است که فاعل اون (انجام‌دهنده کار) معلومه و در ابتدای جمله میاد.

② جمله مجهول جمله‌ای است که فاعل اهمیت نداره و مفعول به جای اون در ابتدای جمله میاد.

برای تبدیل جمله معلوم به مجهول

① مفعول جمله معلوم که به صورت اسم یا ضمیر مفعولیه و بعد از فعل میاد رو به صورت اسم یا ضمیر فاعلی به ابتدای جمله مجهول میاریم. پس در جمله مجهول بعد از فعل، مفعول نداریم. (راه تشخیص)

② فعل معلوم رو با توجه به زمان و مفعولی که اول جمله اومده، به صورت زیر به فعل مجهول تبدیل می‌کنیم:

(pp) قسمت سوم فعل + فعل to be

The background is a solid light blue color. It is decorated with various white line-art icons related to education and school, including books, paper airplanes, pencils, compasses, and rulers. These icons are scattered across the page, often connected by thin, white dashed lines that create a sense of movement and flow.

آزمون‌های نوبت اول دوم 9



نمونه امتحان نیم‌سال اول	رشته: کلیه رشته‌ها	زبان انگلیسی (۳)	نمره
ردیف	امتحان شماره ۱: درس اول تا ابتدای بخش نگارش درس دوم	مدت امتحان: ۱۲۰ دقیقه	Kheilisabz.com
Listening			
۱	به فایل صوتی با دقت گوش کنید و سپس به سؤال‌های زیر پاسخ دهید. 1. Behzad is worried about Amin's health. a) True b) False 2. Amin is feeling energetic and well despite working on a new project. a) True b) False 3. Amin thinks that work, money, and responsibilities are more important than his health. a) True b) False	۳	
۲	به فایل صوتی با دقت گوش کنید و سپس به سؤال‌های زیر پاسخ دهید. 4. The weather was according to the dialogue? a) rainy b) sunny c) cloudy 5. According to the conversation, which one is TRUE? a) Reza went to the park because he was bored. b) They were going to play a thinking game. c) They wanted to play a thinking game in the park. 6. Which one is NOT true about the game 'Smart Kid'? a) One of them didn't like to play 'Smart Kid'. b) They couldn't play 'Smart Kid' because Sina wasn't home. c) Omid suggested a different game.	۲	
۳	به فایل صوتی با دقت گوش کنید و سپس جاهای خالی را کامل کنید. Dr. Asadi is answering this important question: "why is it important to (7) for our elders?" I think first of all we need to remember that they are our mothers and fathers, and our first teachers. They teach us how to love, how to care, how to (8), and how to accept. Second, elders have more knowledge and (9) than any one of us. They've come so far and they've learned so much, we have a responsibility to learn from that wisdom. But the most important thing is their (10)We may or may not know of all the ups and downs they've faced in life but they've definitely gained experience that is worth (11) and learning from. Our elders may hide much pain from us because they don't want us to feel the pain, the least we can do is (12) them for all that they've gone through and learn from their insight into situations.	۳	
Vocabulary			
۴	با توجه به تصاویر، مشخص کنید هر جمله مربوط به کدام تصویر است. (یک جمله اضافی است).  13.  14.  15.  16. a) We have to take care of elderly people. b) Air pollution is a serious problem in this country. c) We can help many people by donating what they need. d) We have to speak louder, because she is hard of hearing. e) This monolingual dictionary has about 50,000 entries.	۴	





زبان انگلیسی (۳)		رشته: کلیه رشته‌ها		نمونه امتحان نیم‌سال اول	
نمره	Kheilisabz.com	مدت امتحان: ۱۲۰ دقیقه	امتحان شماره ۱: درس اول تا ابتدای بخش نگارش درس دوم		
۵/۰			کلمه ناهم‌هنگ را مشخص کنید.		
	17. a) take care of	b) look up	c) care for	d) look after	
	18. a) preposition	b) collocation	c) adverb	d) noun	
۱			جاهای خالی را با کلمات داده شده پر کنید. (یک کلمه اضافی است).		
	forgave . suppose . recommend . compare . founded				
	19. My mother him for breaking the window.				
	20. This university was fifteen years ago.				
	21. Could you please a good monolingual dictionary to me?				
	22. We went to three different shops to their prices.				
۷/۰			کلماتی که زیر آن‌ها خط کشیده شده را به متضادها یا مترادف‌های آن‌ها وصل کنید. (دو کلمه در سمت راست اضافی است).		
	23. We need a big win to <u>boost</u> our confidence. (≠)		a) develop		
	24. The <u>purpose</u> of this exercise is to increase your strength. (=)		b) goal		
			c) decrease		
			d) source		
۸/۰			جاهای خالی را با دانش خود کامل کنید.		
	25. When she saw her test score, she into tears.				
	26. The abbreviation 'app' for 'application'.				
۹/۰			ستون A و B را به هم وصل کنید. (در ستون B دو کلمه اضافی است).		
	A		B		
	27. all the people of about the same age within a society		a) heritage		
	28. organize and put in order		b) arrange		
			c) generation		
			d) convert		
Grammar					
۱۰/۵			بهترین پاسخ را انتخاب کنید.		
	29. Did you know Persian in Iran, Tajikistan and Afghanistan?				
	a) has spoken	b) speaks	c) is spoken	d) is speaking	
	30. My cousin read the novel in the library,				
	a) doesn't he	b) didn't she	c) did not he	d) does my cousin	
	31. If he the money, he'd buy a Japanese car.				
	a) will have	b) would have	c) has	d) had	
۱۱/۵			با استفاده از ضمائر موصولی، جمله زیر را ترکیب کنید.		
	32. Have you found the keys? You lost them.				
۱۲/۵			شکل صحیح افعال داخل پرانتز را بنویسید.		
	33. A: When will he sell his car? B: It two days ago. (to sell)				
	34. My grandfather his prayer, wasn't he? (to say)				

نمونه امتحان نیم سال اول	رشته: کلیه رشته‌ها	زبان انگلیسی (۳)	نمره
رديف	امتحان شماره ۱: درس اول تا ابتدای بخش نگارش درس دوم	مدت امتحان: ۱۲۰ دقیقه	Kheilisabz.com
۱۳	به تصویر نگاه کنید و به سؤال پاسخ دهید. 	۰/۵	35. Which boy is the fattest of all?
۱۴	جمله‌های درهم‌ریخته زیر را مرتب کنید.	۰/۵	36. were / bought / these / expensive / when / houses / ? 37. tell / I / you / I / were / wouldn't / anyone / about / if / it / , / .
۱۵	اشتباهات را در جملات زیر پیدا کنید و آن‌ها را تصحیح کنید.	۰/۵	38. My uncle's never been to South Korea before, isn't he? 39. Who is the man who Jane is talking to him?
Writing			
۱۶	جملات زیر را با استفاده از and, or, but یا so کامل کنید.	۲	40. We can go to the pool, we can go horse-riding, which one do you prefer? 41. Thomas fell down injured his right leg. 42. My brother wanted to get to school on time, he had forgotten to set the alarm clock. 43. I don't have any money, I'll go to the bank.
۱۷	با استفاده از and, or, but یا so دو جمله زیر را با هم ترکیب کنید.	۲	44. I didn't go to her birthday party. She didn't invite me. 45. Do you want pancakes for breakfast. Would you prefer to have eggs? 46. I go with him. Samuel goes to school by bus. 47. He never felt happy. Mr. Smith was a very rich man.
۱۸	جمله زیر را با توجه به تصویر و یکی از کلمات ربط and, so, or یا but کامل کنید و یک جمله مرکب معنادار بنویسید.	۱	48. You should do your homework,  
۱۹	متن زیر را با استفاده از and, but, or یا so کامل کنید.	۳	I got up at half past eight in the morning. I was hungry, (49) I went to the kitchen immediately, (50) there wasn't any food in the kitchen. I wanted milk, pancakes (51) orange juice. Then, I went to the shop, (52) when I got there it was still closed. I went back home and into the kitchen. There was some pineapple juice and two loaves of bread, but I didn't like pineapple juice (53) bread! This was not a good morning, (54) I went back to bed until the shop opened.





نمونه امتحان نیم‌سال اول		رشته: کلیه رشته‌ها		زبان انگلیسی (۳)	
ردیف	امتحان شماره ۱: درس اول تا ابتدای بخش نگارش درس دوم	مدت امتحان: ۱۲۰ دقیقه	Kheilisabz.com	نمره	
Reading					
۲۰	<p>با توجه به مفهوم جملات داده‌شده، گزینه صحیح را انتخاب کنید.</p> <p>Another important thing is our heritage and culture. We have much to learn from our parents regarding our heritage, to be proud of our past.</p> <p>55. It cannot be understood from these sentences that</p> <p>a) our parents have valuable knowledge about our family and country's history and cultural background</p> <p>b) there is valuable knowledge to be gained from our parents about our heritage</p> <p>c) our parents are regarded as our heritage, so we should be very proud of them</p> <p>d) by understanding our heritage, we can appreciate and take pride in our history</p> <p>Learning the meaning of a single word is not usually enough. Through sentence examples, try to learn 'words in combination' to expand your vocabulary.</p> <p>56. According to these sentences, which one is NOT true?</p> <p>a) In order to develop your vocabulary more effectively you must learn collocations.</p> <p>b) If you want to expand your vocabulary, you must combine the words yourself.</p> <p>c) You need to see how words are used together in sentences to grow your vocabulary.</p> <p>d) Expanding your vocabulary involves more than just understanding individual words.</p>				
۲۱	<p>متن زیر را بخوانید و پاسخ درست را انتخاب کنید.</p> <p>It is very important for us to respect our elders. It is also important to note that elders were not born elders; they were kids like us and now have grown old. A few years (57) we will also grow older. If today we respect them, our present and future (58) will carry those values and will learn to respect us as well when we grow old.</p> <p>Elders have a lot to (59) with us: their life experiences, their failures, their successes and many more. Thus we need to care for them because they (60) to be cared for. Respect and care for elders start with our parents as they are our first teachers in our life.</p> <p>No matter what we do in life, who we are, and where we live, we must love them as they love us (61) They feel honored when we appreciate and respect them. So it is our duty to help them when needed because they are not young enough to handle things on their own like before.</p> <p>57. a) mostly b) widely c) hence d) therefore</p> <p>58. a) blessings b) generations c) morals d) principles</p> <p>59. a) expand b) spare c) regard d) share</p> <p>60. a) deserve b) hug c) forgive d) develop</p> <p>61. a) calmly b) accidentally c) unconditionally d) successfully</p>				



۲۴. **goal** هدف از این تمرین افزایش دادن قدرت شما است.

هدف purpose = goal

۲۵. **burst** وقتی او نمره امتحانش را دید، زد زیر گریه.

۲۶. **stands** علامت اختصاری app مخفف application (برنامه کاربردی) است.

۲۷. **generation** (نسل) تمام افراد تقریباً هم‌سن در یک جامعه

۲۸. **arrange** (مرتب کردن، چیدن) منظم و مرتب کردن

۲۹. **گزینه «c»** آیا می‌دانستی که فارسی در ایران، تاجیکستان و افغانستان صحبت می‌شود؟

فعل **speak** متعدیه و بعد از اون مفعول میاد (په پیژی صحبت کرد؟ فارسی). ولی مفعول (Persian) بعد از اون نیومه بلکه قبل از اون اومه، پس فعل مجهول (is spoken) درسته.

۳۰. **گزینه «b»** دخترعمویم در کتابخانه آن رمان را خواند، این طور نیست؟

شکل گذشته و حال فعل **read** یکیه ولی در این‌جا گذشته است چون در زمان حال ساده، بعد از فاعل سوم شخص مفرد (My cousin = he/she) فعل **s** سوم شخص می‌گیره (reads). فعل جمله، مثبت و گذشته است پس فعل پرسش تأییدی باید مفعف منفی و گذشته باشه (didn't she/he).

۳۱. **گزینه «d»** اگر او پول داشت، یک ماشین زاپنی می‌خرید.

فعل جمله‌ای که **if** نداره، آینده در گذشته (he'd buy = he would buy) است پس شرطی نوع دومه و فعل جمله دیگه باید گذشته (had) باشه.

۳۲. **Have you found the keys which you lost?**

آیا کلیدهایی که گم کردی را پیدا کردی؟

۳۳. **was sold** «او کی ماشینش را خواهد فروخت؟» «آن دو روز پیش فروخته شد.»

فعل **sell** به معنی فروختن متعدیه و بعد از اون مفعول میاد (په پیژی را فروخت؟ ماشینش را / آن را) ولی مفعول (his car = it) بعد از اون نیومه بلکه به اول جمله رفته؛ پس فعل مجهول درسته. عبارت (two days ago) با گذشته ساده میاد؛ پس فعل مجهول گذشته (was sold) درسته.

۳۴. **was saying** پدربزرگم داشت نماز می‌خواند، این طور نیست؟

فعل کمکی پرسش تأییدی، گذشته و منفیه (wasn't) پس فعل جمله باید گذشته و مثبت باشه (was saying).

۳۵. کدام پسر از همه چاق‌تر است؟

The boy who is playing football is the fattest of all.

پسری که دارد فوتبال بازی می‌کند از همه چاق‌تر است.

۳۶. **When were these expensive houses bought?**

کی این خانه‌های گران خریداری شدند؟

۳۷. **If I were you, I wouldn't tell anyone about it.**

اگر به جای شما بودم، در مورد آن به هیچ کسی نمی‌گفتم.

با استفاده از ساختار (آینده در گذشته + گذشته + If)، باید جمله رو مرتب کنین. وقتی **if** در ابتدای جمله باشه، باید بین دو جمله از ویرگول استفاده کنین.

۳۸. **My uncle's never been to South Korea before,**

has he? عمویم هرگز به کره جنوبی نرفته است.

never جمله رو منفی می‌کنه و با توجه به قسمت سوم فعل (been) و مفهوم جمله، فعل کمکی که به صورت مفعف اومه (has = 's) است. فعل کمکی جمله (has)، منفیه پس فعل پرسش تأییدی، مثبت (has).

۳۹. **Who is the man who Jane is talking to?**

مردی که جین دارد با او صحبت می‌کند چه کسی است؟

پاسخ‌نامه تشریحی ✓

Behzad: How's everything, Amin? You seem to be busy these days, don't you?

Amin: I'm OK Behzad. I'm working on a new project. I'm really tired.

Behzad: But you know your health is really important, don't you?

Amin: I know. But what about work, money, responsibility, ...? We need to consider them all, don't we?

Behzad: Yes, but health is at the top of all.

۱. **True** بهزاد نگران سلامتی امین است.

۲. **False** امین علی‌رغم کار روی یک پروژه جدید، پراثرژی و خوب است.

۳. **False** امین فکر می‌کند کار، پول و مسئولیت مهم‌تر از سلامتی او است.

Reza: Oh look! It is raining so heavily.

Omid: What would you do if it weren't raining?

Reza: Hmm ... if it were sunny, I would go to the park. I am really bored.

Omid: We can play one of our thinking games, instead.

Reza: We could play 'Smart Kid' if Sina were home.

Omid: This one is also fun. Let's try it.

۴. **گزینه «a»** طبق مکالمه هوا بارانی بود.

۵. **گزینه «b»** طبق مکالمه، کدامیک درست است؟ آن‌ها قصد داشتند یک بازی فکری انجام دهند.

۶. **گزینه «a»** کدامیک در مورد «بچه باهوش» درست نیست؟ یکی از آن‌ها دوست نداشت که آن را بازی کند.

۷. **care**

۸. **forgive**

۹. **wisdom**

۱۰. **experience**

۱۱. **respecting**

۱۲. **appreciate**

۱۳. **(b)** آلودگی هوا مشکل جدی در این کشور است.

۱۴. **(d)** ما باید بلندتر صحبت کنیم چون گوشش سنگین است.

۱۵. **(a)** ما باید از افراد مسن مراقبت کنیم.

۱۶. **(e)** این فرهنگ لغت تک‌زبان حدود ۵۰۰۰۰ مدخل دارد.

۱۷. **look up** **look up** به معنی پیدا کردن لغت در فرهنگ لغت ولی بقیه به ترتیب (مراقبت کردن از - مراقبت کردن - مراقبت کردن از) مترادفین.

۱۸. **collocation** **collocation** به معنی ترکیب است ولی بقیه به ترتیب (حرف اضافه - قید - اسم) انواع کلمه هستن.

۱۹. **forgave** مادرم به خاطر شکستن پنجره، او را بخشید.

۲۰. **founded** این دانشگاه پانزده سال پیش تأسیس شد.

۲۱. **recommend** ممکن است لطفاً یک فرهنگ لغت تک‌زبان به من پیشنهاد بدهید؟

۲۲. **compare** ما به سه فروشگاه مختلف رفتیم تا قیمت‌هایشان را مقایسه کنیم.

۲۳. **decrease** ما یک برد بزرگ نیاز داریم تا اعتماد به نفسمان را افزایش بدهیم.

کم کردن، کاهش دادن \neq افزایش دادن، زیاد کردن **boost**

بعد از who. فاعل (Jane) اومه پس who در حالت مفعولیه. ضمیر موصولی who در حالت مفعولی به پای مفعول (him) میاد پس باید مفعول (him) مرف بشه.

۴۰. or ما می‌توانیم به استخر یا به اسب‌سواری برویم، کدام‌یک را ترجیح می‌دهید؟

۴۱. and توماس افتاد و پای راستش صدمه دید.

۴۲. but برادرم می‌خواست به موقع به مدرسه برود اما فراموش کرده بود ساعت سنگ‌دار را تنظیم کند.

۴۳. so من هیچ پولی ندارم، بنابراین به بانک خواهم رفت.

۴۴. She didn't invite me, so I didn't go to her birthday party. او من را دعوت نکرد بنابراین به جشن تولدش نرفتم.

۴۵. Do you want pancakes for breakfast, or would you prefer to have eggs?

آیا شما برای صبحانه پن‌کیک می‌خواهید یا ترجیح می‌دهید تخم‌مرغ بخورید؟

۴۶. Samuel goes to school by bus, and I go with him. ساموئل با اتوبوس به مدرسه می‌رود و من با او می‌روم.

۴۷. Mr. Smith was a very rich man, but he never felt happy.

آقای اسمیت مرد خیلی ثروتمندی بود، اما هرگز احساس خوشحالی نمی‌کرد.

۴۸. You should do your homework, or you should wash the dishes.

شما باید تکالیف خود را انجام دهید، یا باید ظرف‌ها را بشویید.

من صبح ساعت هشت و نیم از خواب بلند شدم. من گرسنه بودم، بنابراین فوراً به آشپزخانه رفتم اما هیچ غذایی در آشپزخانه وجود نداشت. من شیر، پن‌کیک و آب پرتقال می‌خواستم. سپس من به مغازه رفتم اما وقتی که آنجا رسیدم هنوز بسته بود. من به خانه برگشتم و به آشپزخانه رفتم. مقداری آب آناناس و دو قرص نان وجود داشت اما من آب آناناس یا نان دوست نداشتم! این یک صبح خوب نبود، بنابراین تا زمانی که مغازه باز شود، به رختخواب رفتم.

۴۹. so **۵۰. but**

۵۱. and **۵۲. but**

۵۳. or **۵۴. so**

۵۵. گزینه «c» نکته مهم دیگر میراث و فرهنگ ما است. ما چیزهای زیادی داریم تا در مورد میراثمان از والدینمان یاد بگیریم تا به گذشته خود افتخار کنیم. از این جملات فهمیده نمی‌شود که والدین ما به عنوان میراث ما در نظر گرفته می‌شوند، بنابراین ما باید به آنها افتخار کنیم.

۵۶. گزینه «b» یادگیری معنی یک کلمه تنها معمولاً کافی نیست. برای گسترش واژگان خود، از طریق مثال‌های جمله، سعی کنید کلمه‌ها را در ترکیب یاد بگیرید. براساس این جملات، کدام‌یک درست نیست؟ اگر می‌خواهید واژگان خود را گسترش دهید، باید خودتان کلمات را ترکیب کنید.

برای ما بسیار مهم است که به بزرگ‌ترهایمان احترام بگذاریم. هم‌چنین مهم است که توجه داشته باشیم که بزرگ‌ترها بزرگ به دنیا نیامده‌اند؛ آن‌ها کودکانی مثل ما بودند و الان مسن شده‌اند. چند سال بعد ما نیز بزرگ‌تر خواهیم شد. اگر امروز ما به آن‌ها احترام بگذاریم، نسل‌های حاضر و آینده ما این ارزش‌ها را منتقل خواهند کرد و یاد خواهند گرفت وقتی ما بزرگ شدیم نیز به ما احترام بگذارند.

بزرگ‌ترها چیزهای زیادی دارند تا با ما در میان بگذارند: تجربه زندگی‌شان، شکست‌هایشان، موفقیت‌هایشان و بسیاری چیزهای دیگر. بنابراین ما باید از آن‌ها مراقبت کنیم چون آن‌ها لایق مراقبت هستند. احترام‌گذاشتن و مراقبت از بزرگ‌ترها با والدینمان شروع می‌شود، چون آن‌ها اولین معلمان ما در زندگی‌مان هستند.

مهم نیست که ما در زندگی چه کاری انجام می‌دهیم، چه کسانی هستیم و کجا زندگی می‌کنیم، ما باید آن‌ها را دوست داشته باشیم چون آن‌ها بدون قید و شرط ما را دوست دارند. هنگامی که ما ارزش عشق آن‌ها را می‌دانیم و به آن‌ها احترام می‌گذاریم، آن‌ها افتخار می‌کنند. بنابراین وظیفه ما این است که وقتی به ما نیاز دارند به آن‌ها کمک کنیم، زیرا آن‌ها به قدر کافی جوان نیستند تا مثل قبل به تنهایی از عهده کارها بریبایند.

۵۷. گزینه «c»

- (a) غالباً
(b) به طور گسترده‌ای، خیلی
(c) از حالا، بنابراین
(d) بنابراین

۵۸. گزینه «b»

- (a) نعمت
(b) نسل‌ها
(c) اصول اخلاقی
(d) اصول اخلاقی

۵۹. گزینه «d»

- (a) گسترش دادن
(b) دریغ کردن
(c) دانستن، قلمداد کردن
(d) قسمت کردن، سهم‌بودن

۶۰. گزینه «a»

- (a) سزاوار ... بودن، لایق ... بودن (b) در آغوش گرفتن
(c) بخشیدن
(d) توسعه دادن

۶۱. گزینه «c»

- (a) به آرامی
(b) به طور تصادفی
(c) بدون قید و شرط
(d) با موفقیت

یک فرهنگ لغت کتابی است که معانی کلمات و اصطلاحات را توضیح می‌دهد. شما می‌توانید کلمات را به راحتی پیدا کنید، زیرا فرهنگ لغت‌ها آن‌ها را به ترتیب الفبا قرار می‌دهند. کلمه «dictionary» از لاتین «dictio» (گفته) می‌آید.

چندین نوع فرهنگ لغت وجود دارد. فرهنگ لغت‌هایی که کلمات و چگونگی استفاده از آن‌ها را توضیح می‌دهند؛ فرهنگ لغت‌هایی که کلمات را از یک زبان به زبان دیگر ترجمه می‌کنند؛ فرهنگ لغت‌های زندگی‌نامه که در مورد افراد معروف می‌گویند؛ و فرهنگ لغت‌های تخصصی که معنی کلمات تخصصی را توضیح می‌دهند.

فرهنگ لغت‌هایی که معنی کلمات را توضیح می‌دهند «تعریف» واضحی از آن‌ها ارائه می‌دهند. یک فرهنگ لغت خوب هم‌چنین اطلاعات بیشتری

۶۲. گزینه «c» طبق متن، فرهنگ لغت الفبایی به عنوان یک نوع فرهنگ لغت در نظر گرفته نمی‌شود.

۶۳. گزینه «c» طبق متن، کدام یک درست نیست؟ اولین کلمه «present» که شما در یک فرهنگ لغت پیدا می‌کنید همان معنی درستی دارد که شما دارید دنبالش می‌گردید.

۶۴. گزینه «b» کلمه «which» در سطر اول به کتاب اشاره دارد. ضمائر موصولی به اسم قبل از خودشان برمی‌گردن.

۶۵. False طبق پاراگراف آخر، کلمه «paradise» در اصل انگلیسی است.

۶۶. True طبق متن، در یک فرهنگ لغت، کلمه «combination» قبل از کلمه «commemorate» می‌آید.

۶۷. در کدام پاراگراف، تعریف کلمه فرهنگ لغت ذکر شده است؟ آن را بنویسید.

In the first paragraph. A dictionary is a book which explains the meanings of words and expressions.

در پاراگراف اول. یک فرهنگ لغت کتابی است که معانی کلمات و عبارات را توضیح می‌دهد.

۶۸. مأخذ کلمه «dictionary» چیست؟

The word 'dictionary' comes from the Latin 'dictio' ('saying').

کلمه «dictionary» از لاتین «dictio» (گفتن) می‌آید.

در مورد کلمات می‌دهد. به عنوان مثال، توضیح می‌دهد که آن‌ها چگونه تلفظ می‌شوند. معمولاً الفبای آوانگار بین المللی (IPA) برای این منظور استفاده می‌شود.

همچنین فرهنگ لغتهایی وجود دارد که کلمات را به زبان‌های دیگر ترجمه می‌کنند. اغلب اوقات یک جلد از هر دو طرف ترجمه می‌کند؛ مثلاً نیمی از کتاب، از انگلیسی به فارسی و نیم دیگر از فارسی به انگلیسی است.

هنگامی که شخصی از یک فرهنگ لغت استفاده می‌کند تا بفهمد چگونه چیزی را به زبان دیگر بگوید، باید مراقب باشد که معنی درست را انتخاب کند. کلمه‌ای مانند «right» در زبان انگلیسی چند معنی دارد، مثلاً «درست» و «متضاد چپ». کلمه‌ای مانند «present» ممکن است به عنوان صفتی به معنی (غایب‌نبودن)، به عنوان اسم، به معنی (هدیه)، یا به عنوان فعل به معنی (هدا کردن، ارائه کردن) استفاده شود.

کلمات با معانی مختلف در زبان‌های دیگر نیز وجود دارد. یک فرهنگ لغت خوب همه معانی کلمات را لیست می‌کند تا به افراد کمک کند معنی‌ای که دنبال آن می‌گردند را پیدا کنند.

یک فرهنگ لغت کامل نیز در مورد مأخذ کلمات و داستان پشت آن‌ها به شما می‌گوید. به عنوان مثال، واژه‌هایی مانند پیژامه، بازار و بهشت از زبان فارسی به زبان انگلیسی وارد شده است.